



و نا و ا ر ا ز د و ت خ پ ه ک ن ش ت

«بیچ هر چیزی که سازمان مژو را تیکنده و بیزان نموده بر همراهی اینکنه شد. با اینکندن این بسیار معلوم شد که چونکه سالخ ازین میز و چیزگونه بر یار و مسند شد.

و بحورت تونیه هایی در هاید بھی  
مومی در آر قرفت خلید هرمی اسخا  
شوشی پیش از هزار زمان میں اسلی  
در سیاست اسخای سازمان مملکت ملت  
مقرر است.

و مردم اهربیش را انتقام نموده اند که در آن دستور این سرمه باشد که از این سرمه بگرد و برای یکنفره و برای هبته کانای و ده .

پس پر و سرکشنداد هزار کل بازمی  
پسیم بیرون از آن دیدار شدیر اوچن برای  
جهان ۲۰ زاده خواهد بود ده دنیا در آن  
روز به یه رهیلها کامگاهی کرد و مختف سرا  
جهت بود که چهاران را و مختف سرا  
که این رهیلها کامگاهی کرد و مختف سرا  
است با سلیمانی های مهتاب لطفان بزرگی دید  
ترورون را تلخیر میکند و غصه را  
این مستحب است زیارات را ویمه بعده ارسیکا  
تووجه دارد.

میباشد و زیرین مسایل دو گذشتند  
منظری روشن پرسی از گرفت توند های  
که از آزادی هایان در این شرایط و فتوح  
برای بانات کوکاری ها هستند و این ایشان  
این تاریخ هنوز آغاز نیافریده است  
نه لشیان هرورای امیتی و سایه  
لشیان آن در خواب خوش افسوس و  
فرنگ اند.

امواج ترور و کشتهای  
 در فلسطین هدات میگیرد  
 شور و تردید را نهادنهاست اماکنی  
 را وارد کرد. کامیته امنیتی را بر پاره  
 نمیخواهد فرقه‌های دشمنی را  
 ناسانید که اعتراف و انتقام فلسطینیان  
 هدایت کند

میاست خارجی امریکا را تشریف نمود  
نظر مهندس امریکان را وام سازمانهای  
ملل مطلق و کنسل بربری انجمنی و  
کارخانه مکونی کانگریس بزرگ پیشنهاد  
جهد اینکیوس در پاره فلسطین سلیمان

پژوهیز، مون پیزد  
پژو زیدلت گرومن  
ریهراخ هرب و پیوود کردید  
دکتر سوکارلو با پیمان هنله و

سازمان ملی ملک در سال ۱۹۶۶  
برگزار شد و نایاب ناگواره دوچنین  
گزارشی مشتمل بر ۲۰ صفحه بنتگی  
امروزکان اقليم نود و ستر ترور  
بیانات خود را پیدا کرده اند. بینکه  
هر هند هنوز بیره آدامدارد

را با دلال و خلیل همین و با یا بهان  
یعنی سعی کرد آن را تو میخواهد و دلال  
گو ناگون مردی همچو اینها داشته  
بود و بینی است که برای اینکه موظف  
صلح را پیش میگیری سپس غسل کرد  
گوش و فک را بهان اخلاق من امانت ببرد  
درست و تهات هم است که از افراد  
برخود اینم.

هر چند موقعت ساسی در این پایانه  
با کلانکن سرود نظر انگیر نیز  
ما و پیر نهایت کنیه اند و داده  
که امیر بالا می راندشی نکانه داده

و درمهم شنیدند.  
در خانه ای اعماق های مهر سده های  
دو او رو هنگام آزادی و موکر اسی  
پیکی از دیگری بایان میرسد بنون  
در مردم دغافل دهوار و سهنتی دا  
و نلوده بینان کم کم داتل میشد و  
کراند.

پیم اسکار چهید مردم پا کمال  
و ساده بزنان همان را گنجینه و میتوست  
میگشند و با خود میگردند آسیا طولون  
آزادی و پایه ایرانی که در پیش کوش

کشتو ما در پوکلاری اصلان میشود  
مکن همان جزوی بست که مطلع دلیل  
وتراویر چنان آزاد و میکند.  
فریداد استکندر مدن مانع هجوم

پارهان آینده خواهدترست معلوم هدف  
میب و حسن اتفاقات را باید از ایامکشی  
که اختلافات در سیاست پنهان شوند و لرکی  
آنچه اتفاق میگذرد که میتوان آن پیش سازان

مت اپریل ۱۹۷۰ میلادی در پاریس برگزار شد.  
طبیعی و معمین است قوهه  
نایابه کان ایالت ایران و نیز آن  
تسعی از سلطه ایران که منور از اینهاست  
گناه آلاتی را چهیده است بدست  
فراموشی شوامد سرده، ملت پر امانت  
از بیک دوران طولی دارد آزاده

ملن های مسحور از هر نازم  
رهایی پانه اند، تنه های بسته دیگر  
گرفتاریها حساس آنرا اذیت نمایند

دهد و کسی همانه بیند، سند و  
دموکراتیک متبله خود را میداند و  
همه انتشار و تاویر میداند و  
همه سوزنی کش میباشد در کشاورزی  
هر چنان اخیر مرغ نظر لذت از چنین های

رها فرد پس زبان تاریخ دارد و  
دست اstrarان کاخ سلیمانیه را در  
کند. پس از تعلق این جنبش زندگی

را پیر که بیوهٔ مردیان ایلک آخوند  
اسه هرچه زم می‌گذرد و پیکاره نه باشد  
شرط لازم سقط موده و بسیار درین دیده باز  
و همانطور که باور ما نوشته اید باز

مکار او میباشد که بگفتست از اگر که آنها باید نمایه مهندسی و اسلام رفته اصلاحات و تقویت های سیح و امام را در منطقه کردستان که بدست افراد

کند در تمام طول تاریخ سیاست‌های ایرانی  
مغضط افشار سپاهانداران از کارنگی و روزبری پروردیده  
است و دولت تاریخی که کامن ولت  
در این دوران را در بر گرفته که مدر و اقتضی  
سالیان و سالیان آغاز کرد آزاد و  
ایرانیان اهل فرد کرد و مطبخ و انسی یک  
دولت واحد بین است.

نہایس کو وہی اڑ  
تحولات سیاسی جہاں  
— ۲۷ نومبر (۱۹۶۸ء) —

هزار اربعين (طير و خواه)  
کافل بلو ۱۹۵۴  
در یاپان چند شنبه دوین و پیش از آنکه شه مانگا اکی  
روایت امیر ابراهیم بر این شفته درجه  
ک در همه اروپا با وضع داشتند  
جزئی که مکنند بر این راه باشد

تاریخ و رشته‌نژادگرزو

(A)

رسانی مطابق با میزان  
رسانی مطابق با میزان

رسیا هی بیشتر خاله ماند  
پروردگه سازی در این سلکت رواج  
می کند و می بینیم که در اینجا به سایر اتفاقات مانند  
رد همایی استفاده شوچه و سنتی نظر کشید  
مانع از اینکه نکن که زدن سود و موده  
هایی بر اینها ایجاد شود باشد  
نهنچه بلکه اینها مطلب اضافه  
صالح است زاده و همه اینها اتصاری  
از طرف دیوان کیفر مورده بقایه تقدیر  
کفر تقدیر است و دو امر از جمله خطاها که در کشور مانند  
رسیده کیفر خوشحال کرده کوش نمایند  
دیوان کیفر که می شناسد بدیگران شد  
دیوان کیفر علیه خوب بروید موردا ساخت  
آن کیفر علیه خوب بروید موردا ساخت  
و مرتب کیفر خلاف اینها می شوند  
ولی چون داده او که آنها فرق ندارند  
با اینکه با خلاصه ۱۴۳۰ رسیده  
ساخته بود موردا رسیده کیفر می شوند  
کیفر والیم هد و بعدا هم رسیده کیفر  
آنها فرق نداشت که می شنکانند  
روز پیشنهادی که درین هر دو هدایه  
از مانند  
امدادواریم با توجه بجزیان خود  
و فخر آن ای ای ای همچنین امور درست  
و فخر خواهی سازی و همچنان که  
دعا و اوز اخراج هدن خودن آن ای ای

卷之五

برای اطلاع و زارت بهداری  
از سمت

پیاری همه گویی تر و امیدهای در تاریخ  
آن را بگیر و شیخ خانی را برای بررسی  
اوری استانه ای که در آن داشت از آنها  
فردا گزاری لازم و مسله ۲۰ نانی  
ترین این سالانه ایام در پل بیرون گردید  
برن کشکوارد از خطرناک میان  
ادامه بایان و مسله از مراسم آغازی  
در فتنی ایام ای کوکه داده و از مردم ای  
را وارد بهادری و مسایل شورشی  
که بد عده میان اینها جوان نویزه مدد  
گردید

در گستاخی خاوری هم کتاب «ایران»  
میشیش درین پاره نایابه اشنیده  
ب پلسا میتوسید  
از ندیقات آب و روسوم مذهبی  
من هند ایران موده است که خوبی  
از اسلامی هند از امراء داریوش  
بطلاقه پشتیک در میان هند و ایران موجود  
است.

در خصوص جسته های مطالعات و داد  
گی پیشتر لازم است. از آثارهای  
جسته های چنین سخنگویی که در جسته های  
که در سر برخان بوده ایکن با کهور مردان  
لایه ای از اینجا است: «جهنم او حشمت را  
ف سکوید: «جهنم او حشمت را  
آن لکه اسد». بنابراین یا می  
بینیدرا در عده های شدن الماظ ناظر  
یا زمان در ناطقون را که کوس هستمروند.

کتابی اپلیکیشن هم نام پرس موسسه علمی  
«این گفت» نوشته می کند که مکسیکو  
است. نام آن این ایچ باده باشد.  
در اوستان این پادشاه «هاده وین»  
که «دکه» و «تیش» در زبان این اقوام است.  
که «دکه» در این زبان عربی شده است.  
لطفاً دوست بیرون راه شده باشد  
آن نشانه اسک مسلمه باشند  
پیش از کلیدهای این راه  
با شاهزاده پای خود را  
بازداشند. از این قریب شاهزاده  
که در راه گرفته بودند  
طیورهای طعمده که در راه بودند  
که در راه بودند  
لهم طیورهای طعمده که در راه بودند  
لهم از اینه و نه است که درها  
نمی توانند و سینه مسح شده شده  
اسمه «ایزنه» پادشاه آن من  
باشد که اسرارهای درز زبان گردیده ام  
و این مکنکنید.  
لهم از اینه و نه است که درها  
نمی توانند و سینه مسح شده شده  
اسمه «ایزنه» پادشاه آن من

لود روزت پیشون. این پادشاه  
کشور نیز سارواوی همکرده است  
از آن تردد مطوفه میلهو و زور گزیر  
آغازه داده که کوئی بتواند. اما برگزیرین  
کوئی ایچیزی داشته باشد. ایام  
اگاهه که داده کردند کهست روی اولین  
رسوت داده است و در حقیقت به عده  
کنکرو سخوتون می گردید این پادشاه  
هم امثال ایشان می باشد. با همراهی دارد  
که فاعل نسبتی هایش است من این  
علی مریور فرود نه لطف داده بیرون / را  
مازی داده بیرون / می خواهد و باز خرمه  
بایزیر چهارمین داده اند. بنابراین  
بده مشهود هایهاست ایچیزی طهورون  
که این پادشاه های خود را بجهات  
که در غصی نوشته های خود را چنان  
آمد است.

四

دو نوٹ مرسوم حاج غیب مدداد هبازی طاب تراء

بیست این خواه پوروز رستبرادران  
که کن است اخوند پروردیده هاون ماه وطن  
از جم جوی دوچرخه از سرمه دیده هاون  
و زرسه کن دیده هاون از ازان شده دوشین  
از دخان آه مان سوی دل اسلام ایان  
سوی پیکرته از این خواه پوروز  
سوز هالم سوک گردیده زمامی کان باده  
جلسلکی سردم شدن مانم و گرم این  
جهانه را ادر کن کن کنون تو گوکی بیلود  
دین شنان سوک کاروی عصی گردون نشین  
اشکر قلب چنان ازوده ها کار گیان  
سرخ و ماهی فروهاده و بصر هیرانه در هرین  
نهاده و بر نایانه و طامی کند و افدا  
مالم و اعیانه سه باه و حسرت همین  
گردینی اذ در شب پر آورده سراسر آذاب  
روز روشن و شد اند بده کس چین  
پون نهاده ستم چین خون توان سوس کوهه  
روز و شبانه بر ایان کنکه پنه اوین  
یدن دوزل نیمات خوشی دین کنکه پنه اوین پیشین  
تا چشم خوبیش دین کنکه سرمه سرا  
تای چین باشد همین پاره خوش دین کنکه سرمه سرا  
این چینین باشد همین پاره خوش دین کنکه سرمه سرا  
هر دنی سه گیره خاورد دنی دلک کان  
خون سوس پا خاده اهل چهل کنکه  
آدم میهن خوبی اوس ستم ستم سرمه سرا  
آدم میهن خوبی اوس ستم ستم سرمه سرا

شیخ مید اند هبایزی دیسی هاونی  
آنستان برج و سکه کوهر درج ادب  
کوه همان راه اسان کرگدن نهاده از شرق  
پایه اش با پرس کرگدن نهاده از شرق  
سایه آتش رسمیده کردی چرخ گردان پایه این  
اوستانه اوستانه دنیا و مرغیت  
کشته بی توانی در مکن نمکن مکن  
هزمن علم و سیا و مدن درود و سخا  
مطرب انوار داور درود مردانه مین مین  
مشیل آپنه للاب مردانه طرق  
خازن کشته تلقین مردانه مین  
پیکره اه و پیکرمی و پیکره خل  
پیکری و پیکری و پیکری کوکی و پیکری  
پای زین فرش تری پنهاده سوی لا سکان  
چونکه لبلش درود فرش مضرت و رب مهن  
روزو سه شنبه و دوز و دوز و دوز  
بنیت روزو دلت و میله خشم البرasilیه  
بهر موادیه توکوکی نهاده ایان ایان کرد  
با کاچ بهر و ملخت بشیده دوح ناز این  
جان چنان پاید نهاده ایانه موستان  
ست و سلت و سلت و سلت و سلت  
پورکه مستوفات غامات وا یهل منقوش اد است  
دان مواسیق شنیش ایزد ای ایام همین  
رفت زین دلایل نای ایان عالی مهبوت ده  
کاده کشت از عدهه دنیان و سوره هن  
سوری فردوسی بین با کام دار از کرد  
و هی فردوس آن مکان صالحیه و خالدین  
هاشم کشنا که تاریخش که با داشتن  
روز و شب ایانه ایانه ایانه ایانه ایانه  
حدمه بیس نمکن جلا کروی بجهاست  
آن (هید) (عابد) (وصیه) با نمره نکن  
مالح ده آن تباده با آلمان تا ایده  
کو گیلن بینیں عابدین و صادفین  
خصه کفت خور (ستود) (را) ایکه مسته از ایکه  
چالشین پیر ساپه دن دو پور با غریب  
مرنیه سلوک را آنای ابراهیم ستوده بر هنر ظلم  
ده اند

هر حوم حاج شیخ عبداللہ شہبازی طاب ثراه

بز پارچه دارد که این سوپ نصف بینه و اسماقی  
مرغ برپاریت علیات ملاین مواد و ملاین  
و پدیده را می‌نماید همچنان که آن مردم در  
گوشه اندوز اندستک بود  
خانه‌ای آنس سووم ازیر گفت خصیت پاره  
شود و پیدا و زر کاروانی ملاین و شناس  
ستمندان و معلمین و معلمین توسل طغولین  
و داده و خواهان را می‌خرم و خوش بزمی  
اجتنابی نامه اهالی گردستان بود  
می‌باشد و خانه‌ای اندستک بود  
مورود توجه دارد و مهواره غذائی  
درسته و تجهیزه و مهواره غذائی  
درسته و تجهیزه  
هر سوپ هیچ مثقال پیشگاه مسلطان و  
دولته های وقت خواه گرفته است.  
سبحاجی اخلاقی خواه و خوش اینزمه  
شده و شناسانه خانه‌ای اندستک بود  
که بین مقصوسین کنجد و ماری  
مرغی کامل و باد بود آن سرو جزو از  
دهه تقریباً کتاب خانه‌ای اندستک  
لی از این ارشمانات را که از زمان  
سماج هر دهه معرفت ایشان را در  
الم در تشریف حالت و روپیه خود  
و در روزهایی کاربرد و شناخت طبقه  
لشکنیه و این در جمله اللور تا به  
دهه چهار و به عالم روحانیت اداد

امروز توجه ذات اندس های پری  
انی حسن اخراج آنای حست وزیر وال  
شنب اخراج دولت و نقدان بدرانه مری  
حصرم دولت میم صحیح اسلام و آیات  
حیلی ملت میم که این اسلام و آیات  
العقلان کفرانه اثمه باشد و عذت کرد  
در میان اولین شیخین ایران ایجاد کرد  
در ایام اولین شیخیت ایران ایجاد کرد  
پیشتری حاصل آید اختصاراً بدریش  
رساند

#### 標題：五十年代的社會

پسندیده شد و میگفتند که این میتواند میکروگلوبولین های خود را از بدن خارج کند. از این خواص میتوانست بآhadanیه و عنوان موردنظر اشاره کرد. این خواص و نتیجه توئین نموده بود. با اینکه دندریتیک پرتوسیستم خود را باشادیه داشت، این خواص کرد این اعلاء میتوانسته باشد. داشتن عوایض اصلی طبق تقریر فرد مهدی خلیل از این داشتن خواص میگفت. پسندیده شد و زیرینی داشتند که این خواص میتوانند میکروگلوبولین های خود را از بدن خارج کنند. این خواص میتوانست بآhadanیه و عنوان موردنظر اشاره کرد. این خواص و نتیجه توئین نموده بود. با اینکه دندریتیک پرتوسیستم خود را باشادیه داشت، این خواص کرد این اعلاء میتوانسته باشد.

دانشجوی مکون - فردیون از  
جهی سلوک - هامونه هستند که  
اشاریه اینها دانشجوی ادب و  
حسن اولان دانشجوی جوانی  
خواهی دانشجوی داروسازی

قابل توجه جناب آقای مدیر کل محترم  
ثبت اسناد و املاک کشور

## کردستان سنیه ارولان

- 11 -

مکالمہ میری

آگھی حصر دراٹ

پتأریخ ۱۰/۶/۱۳۲۵ با نامملوک بره ملی «ادخواست شار»

تمام و اهانت بر کار استنایه و رو وقوش شناسانه خود را و نویشت خلاصه  
مرک و پرک کور متن این طرف معرفت مگر بلایا جایی به راد و ۱۳۵۷  
در تهران جایگاه همیکنی اعلم و نظافتی (پارلمانی) و داغتر و باز و  
صرتی بیره را هیله و درون متصرب تنویر مرلی و نظافتی که از این  
تصربات نموده استاد ادگار باشندگان اطهارات همه اینکه روابط ۲ توت  
خواهی داشتند که مبارکه در دوران زاده طرف مدت مکرر زخم دارد و هجهین اکر  
مینشیده ای کسی اعضا از این طرف مدت مکرر زخم دارد و هجهین اکر  
و سرت نامه از این طرف ازد کسی معرفت است تا نکون ایران شده در همین مدت  
ایران کل والا گذشتند هست ادام متفقین میکوچه و هچچ و سرت نامه جزوی  
و رسی میتواند هفده بود.

س دب هادگاه پشت طهه ای - خلیل صبری ۷ - ۶۰

۱۳۴ حس و راث

آفای ایرج پریون در سیاست بیدادگاه پیش گردستان تکمیل که  
جنرال پریون در سیاست منطقه خود را برای امنیت سپاه  
علی- ایرج- کاظم- سعیدخان (ناخدا نیروی انتظامی) - حاجی- (بیو) مینا  
باستان کوهانی نامه و انتشارات پیرای استادانه و دات از آنها ترکیب  
سدور گواهی سصر و روزات خوارازم لذا مرائب سار بر متولی در وزارت نامه  
رسی کشکور و کوشان درج میشاید اگر کسی و اخواتی بازیه نامه اسری  
باوسی دارد از شناساری این گهی ناسعه با یافع دادگاه مراجعه والا گواهی  
سادر میشود.

رئیس دادگاه پیش کردستان - خواصی  
۳-۲

۱۵۷

شیوه خام تیزای برای خواستن بیدار کاه پیش کردستان تقدیم که  
هلی خان تیزای مجموع دالی سنتنگ خوت شوده و ازت او منصر به پسر (بیدار)  
مظفر - علی اعرف - و مادمشتر (زرتخت) - مامهیر - مرسم خوش بیدار و  
خوشانه از اینها استفاده و روان و آرام است. میباشد باستفاده از گواهی نام  
کلیه، تر که موروث مسیو گواهی حکم و حکم و احکام را در این امور از میباشند  
هر روز نهانه و رسی شکور روناه گوشتهان درج میشاند اگر کسی واخراجی  
با وستنن سری میسری دارد از اخراجی نش اولین آگون ناسه ماء باین داده  
میچه و لاؤ گواهی صادر میشند.  
و پس داده کاه پیش کردستان - خواصی  
۳-۲

1000-10000

بز بست که مر قوم

معترض که بناست  
اظهار لطف و درد  
با ساکنی میناید.  
عاس آزادیور

گوشه و ریز خواران خوان متریپسین  
اشناس ساده را گیره اشایند و همه  
آنچه در آنکه از پردازشی اینها  
ایجاد شود باشد را بدانند. اینها  
که برای ایجاد اتفاق در دنیا شوند  
لوازم میکنند. پایه نهاده احمد حقیقی  
و منتوی مادرخوان

و گذشته از آنکه نسبت و تحریر یک مفروضین موجّب تقویت جویی ما شد برای ما نیز نسبت ای خوشبختی هم داشت که بسیار

اوستان - جای پس نات است  
بجای اینکه آنایان داشتیویان که همچو  
و سایر جامیه هستند نا هم توانی و  
ما نیعنی این حوسومی هم نو داریم  
از رفتاری هزیر و «رجب» ما که دیر و  
ناینده بازگشایان کرد وستان بود اور

دالشیو شده است !!!  
هر چند ما به تشبیثات هناصری که  
هم آهنگی داشته برای نامین سعادت  
مردم ندمهای خود را همی بردارند هر امون

میخواهند بجهه مارا بپای خود ضرب  
کنند با دیده نسفر منگر برو تا گتون  
گران از کار و نیز کار از گران ک

دو یخنده اندار عویض سرمهده است و شکست نسبت داشتن دانشجویان و  
جهاب آن رسیده بود هینا درج گردید  
و لیل هر یکم مقاومتی موافق یا مخالف  
انتهای آن با یورده است و سوابق

ما مارا از دادن هر گونه توطیبی سی  
پیاز می‌سازد ولی باز لازم داشتم که  
در این زمینه بر سر از چاپ آن در آینده  
خودداری خواهد شد امیدوارم آنرا بایان

با ابراد توضیحات فوق حلایق را در معرض  
نشناوت المکار عاهه قرار دهیم که این  
بگذارد

کوہستان

**«حمله مغرضین جبهه دانشجویان اصلاح طلب را تقویت کرد»**

هسته که داشت طالبی در روزهای  
گوشنات منظر شده بود که موجب  
ناآش و تسبیح و در هنین عین ساعت  
هدایت و اسرار و سرست از گردید  
همین از اینکه چند تن از رفاقتی غیر  
ماهی در پیان آمده کاری داده  
که اصلاح خود را با میانی این اسنان  
مورد بیول خود را با میانی این اسنان  
نموده بود این اسنان مخصوصاً  
از این اعصابی که در آنها خود  
فرعی اعصابی و هنگامی که اینها  
برپوره شوند همان رفتار رفاقتی که برآورده  
بوده که چونکه رفتار رفاقتی که برآورده  
بوده این رفتار را داده و نهایتاً  
تجاذبه و همیلت آنها از این راه داشته  
بیلکه این رفتار را در روی و رویه  
آنها که این رفتار را داده این رفتار را  
که در هنین تصدی خود لعله با اسلامات  
نهان داده اند انتشار و قضاوت اوره  
که توجه اینها را میگیرد اینها مخصوصاً را پوش  
روت و گردانیدن جلب سعادتمندی از  
همیلت از همه موارد که مانند سایر جا  
ها هستند که در گردان انتشار اند همه اینها  
با یکدیگر اخلاق اینها را میگیرند و اینها  
اسالت و فروخت اینها به همیلت و فرموده  
هسته این رفتار را در هنین میانی  
شناخته اند و قدری غیره خود را  
هم در اطلاع گذشتند که گوشنات  
بی هیوای گذشتند که باشیم یعنی مورده بیست  
همینه اینها را اینجا از اینکه اینها  
دوست متعزی باشند این رفتار مورده  
ایده که در سینه اینها باشند این اسنان  
خود مردمه ای اینها که در سینه اینها  
امروزه از آن غایسه کنیده اینها هم  
امثالان این عالی میگردند که مردبوط و  
طبیعت مورده رفتار هاست و یکی از  
وقایع ما در همان روز سهستنی اینها  
ضدرو و موالک اینها خود را کار گزین  
رسویه اند از اینجا بداید های اینها  
هسته نقل بینند :

آنکه این رفتار داشتیه اینها مخصوصاً  
از اینکه آنها رفتار داده اند «آسف»  
که در هنین تصدی خود لعله با اسلامات  
نهان داده اند انتشار و قضاوت اوره  
که توجه اینها را میگیرد اینها مخصوصاً را پوش  
روت و گردانیدن جلب سعادتمندی از  
همیلت از همه موارد که مانند سایر جا  
ها هستند که در گردان انتشار اند همه اینها  
با یکدیگر اخلاق اینها را میگیرند و اینها  
اسالت و فروخت اینها به همیلت و فرموده  
هسته این رفتار را در هنین میانی  
شناخته اند و قدری غیره خود را

کارهای ایجاد شده در این مکانات و مراکز  
لذت و تفریح می‌توان با خنده و خوش  
العی انجام است. بسیاری از مکانات ایجاد شده  
می‌توانند مانند مسافت پیاده ای اوپری هنری  
مرکز تئاتری هستند که اینها نهاده  
اگر بیان از متن مانند مکالمه پرداخت  
و هنر می‌نمایند بدلیل آن به طبق  
موافق این مصالح باشند و همچو کنیون  
پیش از این این امید را نمایند که اینها  
بازی مانع این امر کنیم که همراه  
موافق مولو او خط می‌خواهد و در اینجا  
نهاده شوند.



